

## جنبش آزادی خواهی مردم ایران: دستاوردها در سال ۱۳۸۸، تدارک برای سال ۱۳۸۹

از میان فهرست طولانی دستاوردهای جنبش آزادی خواهی مردم ایران موسوم به جنبش سبز در سال گذشته، تنها به چند مورد اشاره می شود:

- ۱) این امر روشن شده که اصلاح در چارچوب نظام موجود کاملاً غیر ممکن و محال است. توهّمات قبلی به طور کلی از بین رفته است.
- ۲) با توجه به وقایع اخیر، به جز عده بسیار اندکی از افراد عقب مانده به لحاظ ذهنی یا اکیداً غیرمطلع، یا آنان که دچار توهّمات خرافی مذهبی هستند، تقریباً کسی باقی نمانده که سرعت نابودی زیرساخت های اقتصادی، فرهنگی و انسانی را نبیند و به همین جهت اکثریت مطلق مردم برای سرنگونی این رژیم ضد ایرانی، فاسد و غالباً بی لیاقت، روز شماری می کنند (که البته همین "روزشماری" در برخی از دوستان کم تجربه و کم حوصله جنبش، موجب کم طاقتی شده است).
- ۳) چهره فرقه ضاله و اهریمنی مصباحیه و اعوان و انصار آنها مثل هیئت مولفه که در چتر حمایتی سران سابق و فعلی نظام، از طریق ایادی خود همچون لاجوردی و همدستانش سالها به قصابی بهترین متفکران و مغزهای کشور مشغول بودند برای مردم مشخص شده است.
- ۴) "حرمت" توهّمات خرافی که همچون زهری مهلک توسط عده ای زالو صفت، قرن ها به بدنه جامعه تزریق می شده است از بین رفته است و ماسک زیبایی که بر چهره زشت و پلید توهّمات خرافی زده شده بود برداشته شده است. همین امر بخش عظیمی از مردم (حتی بخش قابل توجهی از مذهبیون) را قانع کرده که به حضور دین در حکومت و تحمیل قواعد ناکارآمد، ناقص و بعضاً ضد بشری آن باید پایان داده شود.
- ۵) مردم در داخل و خارج از کشور در عین اختلاف آراء و نظرات، به طور بی سابقه ای با هم یک صدا و متحد شده اند تا دیو سیاه استبداد را به زیر کشند.
- ۶) بر خلاف حکومت و دولت کودتائی که به بی آبرویی کامل رسیده اند، مردم ایران یک بار دیگر، و این بار بسیار بیشتر از تمام قرون اخیر، نزد مردم آزاده و افکار عمومی جهانیان دارای آبرو و اعتبار قابل توجه شده اند. این امر نه تنها در رسانه ها بلکه، بنا به نقل قول بسیاری از مسافران، در رفتار روزمره سایر ملل متمدن با ایرانیان مشاهده می شود.
- ۷) بر مردم روشن شده است که بسیاری از دول خارجی، از اکثریت قریب به اتفاق همسایگان گرفته تا کشورهای دوردست، تمایلی جدی به حمایت از حقوق مردم در برابر این حکومت خونریز ندارند. کدام همسایه ماست که از وجود حکومت بی لیاقت و فاسد جمهوری اسلامی، به نحوی از انحاء سود نبرده باشد؟ چه حکومتی بهتر از این نظام که موجب عقب رفتن و تخریب روزافزون کشور و زیرساختهای آن شود، در حالی که سایرین لنگ لنگان هم که شده خرک خویش را به مقصد می رسانند. تنها حکومتی که می تواند کشوری مانند ایران با نیروی انسانی قوی، منابع و ذخائر معدنی و زیرزمینی گوناگون و ثروت ناشی از آن، را از اوج عزت به حضيض ذلت بکشاند همین حکومت بی کفایت موجود است. خارجیان از جنبش تنها در حدی که موجب فشار به این حکومت بی لیاقت شود تا به لگدپرانی های ناشی از مالیخولیای آخرالزمانی نپردازد حمایت می کنند. به همین سبب مردم می دانند نباید از بیگانگان زیاده از حد انتظار داشته باشند. بی جهت نیست که مردم به عنوان مثال به شبکه بی بی سی که در اوج حرکت های خیابانی جنبش سبز، به طور کاملاً عریان سعی در "کنترل" و نگه داشتن فتیله

اعتراضات مردمی در "حد لازم" جهت گوشمالی حکومت جمهوری اسلامی (اما نه در حد سرنگونی آن) داشت، عنوان "آیت الله بی بی سی" را دادند.

آگاهی مردم از این امر که ناشی از تجربه های سال ۱۳۵۷ در "رهبرسازی" برای انقلاب آن زمان و هم چنین "کنترل" فعلی است، خود دستاوردی بسیار با ارزش است.

در عین حال، به کشورهای دیگر ایرادی نمی گیریم که چرا تنها منافع ملی خود را در نظر می گیرند. اگر غیر از این بود جای ایراد بود. رفتار آنها قابل درک است. بدون افتادن به دام "عشق یا تنفر" نسبت به سایر کشورها، جنبش تا حدودی به این نتیجه رسیده که باید بر اساس واقعیات موجود سعی کند در مواردی که منافع ملی و حقوق مردم ایران با منافع سایرین هم سو یا منطبق می شود، از آنان انتظار همراهی داشته باشد.

دوستان خارج از کشور به کمک نهاد های مدنی و افکار عمومی مردم کشورهای محل سکونت شان در اعمال فشار به دول متبوعه برای همسوتر شدن با جنبش آزادی خواهی مردم ایران کوشا بوده اند. این اتحاد عملی زیبا است که به یمن جنبش اخیر حاصل شده است.

۸) مشروعیت داخلی و بین المللی حکومت و دولت کودتائی به حداقل خود در سی سال اخیر رسیده است و آثار عمیق آن در تمام عرصه ها به تدریج در حال ظاهر شدن است.

سال ۱۳۸۹، از دید تعداد قابل توجهی از مردم، سال تنوع تاکتیکیها برای به زانو درآوردن کامل دولت کودتا است. ناظران سیاسی بعضاً بر مبارزه بدون خشونت تاکید دارند. برخی دیگر معتقدند با رژیم خونریز جهل و جور باید با زبان خودش سخن گفت. برخی دیگر معتقدند در ادامه مبارزات بدون خشونت، پس از فراهم شدن زمینه های لازم و گوناگون، قیام قهرآمیز علیه استبداد صورت خواهد گرفت. به هر حال، این موضوع در تخصص ما نیست اما قطع نظر از این که عملاً چه پیش آید، به نظر می رسد در حال حاضر نکات زیادی از جمله موارد زیر مطرح در بین مردم است:

۱) بحران اقتصادی ناشی از ناتوانی و بی لیاقتی احمدی نژاد و دولتش (و اصولاً کل نظام) در راه است. با پیوند خوردن جنبش سیاسی آزادی خواهی مردم با خواسته های صنفی و اقتصادی اقشار مردم به ویژه کارگران و معلمان، که به تدریج صورت خواهد گرفت، کمر شدیداً خم شده استبداد خواهد شکست. این امر احتمالاً در ابتدا به صورت اعتراضات صنفی، اعتصابات محدود و در نهایت (احتمالاً در سایه اتفاقاتی بزرگ و بحران زا که می تواند بسیار غیر منتظره و گوناگون باشد) به اعتراضات و اعتصابات عمومی تبدیل شود. به همین دلیل در محیط های مختلف اجتماعی سخن از سازماندهی های کوچک و مستقل برای کسب آمادگی لازم برای عکس العمل مناسب، در زمان مناسب، جهت یکسره کردن کار دولت کودتا است.

۲) گفته می شود روش های فلج سازی کامل دولت کودتا، می تواند به اندازه تعداد مردم متعدد و گوناگون باشد. نمی توان برای محیط های مختلف کار و زندگی، نسخه یکسان پیچید و انتخاب تاکتیک های مختلف فردی یا جمعی، با توجه به شرایط محیطی، مسائل امنیتی و مانند اینها، بر عهده خود آزادی خواهان است.

۳) دید و بازدیدهای عید باستانی نوروز که مانند چهارشنبه سوری و سایر رسوم ایرانی همچون خاری در چشم استبداد است، عملاً به مکان تحلیل اوضاع، تبادل نظر و تصمیم گیری برای اتخاذ تاکتیک های موثر برای سال ۱۳۸۹ تبدیل

شده اند. برداشت ما این است که آتشی عظیم و رو به گسترش همچنان شعله ور است، اما به دنبال یافتن موثرترین نقاط برای سوزاندن دامن دیو سیاه استبداد است.

(۴) آگاهی بالای عمومی باعث شده تا مردم در دام تبلیغات وسیع اما کم تاثیر حکومت کودتا گرفتار نشوند. طرح موضوعات بی اهمیت و جنجال های ظاهری علیه جناح های مختلف حتی خود دولت، برای منحرف کردن افکار عمومی از خواسته های اصلی، موثر نبوده است. خواسته های اصلی مانند خواسته های سیاسی (آزادی ها و سایر حقوق اساسی بشر)، خواسته های صنفی و اقتصادی (میزان دستمزد و سایر مسائل متعدد معیشتی و صنفی مردم)، خواسته های اجتماعی (رفع تبعیض شغلی و اجتماعی و حذف اهرم هایی که موجب موقعیت برتر عده ای ناتوان و بی کفایت وابسته به نظام بر فرزندان شایسته و توانمند مردم شده است، مبارزه با فساد اقتصادی وسیع و افسار گسیخته وابستگان ریز و درشت نظام و سایر شیادانی که از آشفته بازار و فساد دستگاه های نظارتی سوء استفاده کرده اند، رفع تبعیض علیه زنان و غیر آن) و بسیاری خواسته های دیگر در فهرست خواسته های مردم قرار دارند. سرنگونی دولت کودتا مقدمه تحقق این خواسته ها است. این سرنگونی با توجه به مجموعه مشاهدات اجتماعی و تحولات اخیر، با سرنگونی کل فساد حاکم پیوند خورده و به همین سبب باعث وحشت افراد میانه (یا اصطلاحاً سانتر سیاسی) از وقوع تحولات بنیادی در جامعه شده و آنها را به "سکوت"، یا بعضاً به "مبارزه" سطحی کشانده است. اما سال ۱۳۸۹ سال طرح خواسته های بی پاسخ مردم در طول سی سال گذشته است. بخشی از حرف های بین مردم در جهت مبارزه با ماشین تبلیغاتی حکومت و حيله های آنان برای ایجاد انحراف در آن خواسته ها است. سخن از حفظ هوشیاری برای عدم انحراف از اهداف جنبش آزادی خواهی مردم ایران است، هر چند دیگر طرح موضوعات بی اهمیت، طرح حرف های تجزیه طلبانه و مانند اینها از سوی دستگاه های دولتی که مسئول ایجاد جنگ های روانی در جامعه هستند، کارآیی ندارد.

(۵) شناسایی و جمع آوری اطلاعات هر چه دقیق تر درباره هویت ایادی و اوباش مزدور حکومت کودتایی (نام، آدرس، شغل و غیره) به همراه موارد مشارکت آنها در سرکوب یا خبرچینی و مانند آن، در هر محله یا محل کار یا تحصیل در دستور کار تعدادی از مردم قرار گرفته است. این مجموعه به همراه اطلاعات ذی قیمتی که توسط افراد درونی حکومت (از نیروی انتظامی، اطلاعات و سپاه) در اختیار جنبش سبز قرار گرفته می تواند در زمان لازم به از کار انداختن ماشین سرکوب کمک کند و بعداً یکی از منابع برای بررسی های قضائی جهت به محاکمه کشاندن این مزدوران و جنایتکاران باشد. سازمان "ضد اطلاعات مردمی" به کار افتاده است و این چیزی است که مزدوران را به وحشت انداخته است.

به هر تقدیر، سال گذشته نقطه عطفی برای جنبش استبدادستیز مردم ایران بود و به نظر می رسد این روند در اشکال نوین و متناسب با شرایط روز، در سال ۱۳۸۹ ادامه و تعمیق خواهد یافت و چه بسا به نتیجه ای ملموس و قابل توجه خواهد رسید. برای همه ایرانیان در چهار گوشه ایران و جهان، آرزوی پیروزی داریم.

حقوقدانان جنبش سبز مردم ایران

پنجم فروردین ۱۳۸۹